



اخبار

«نام جاوید وطن» روی آنتن می‌رود

مستند «نام جاوید وطن» با تمرکز بر فعالیت‌های یک هنرمند نقاش در جریان جنگ ۱۲روزه، امروز از شبکه مستند پخش می‌شود.

این مستند به روایت تلاش‌های سیدعلی میرفتحاح، هنرمند نقاش، در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران با رژیم صهیونیستی می‌پردازد و نقش هنر در بازنمایی مفاهیم مقاومت و هویت ملی را به‌تصویر می‌کشد. مستند «نام جاوید وطن» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است و با نگاهی مستند، به تجربه‌های زیسته و فعالیت‌های هنری در بستر یک رویداد تاریخی می‌پردازد.



پخش سریال «دهکده خاطرات» از شبکه تماشا

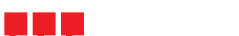
مجموعه «دهکده خاطرات» هر شب ساعت ۲۱ روی آنتن شبکه‌تماشایم‌ی‌رود.مجموعه «دهکده خاطرات» به‌کارگردانی مارک جابست، چارلز پالمرو جان گرینگیگ، اقتباسی از رمان قدیمی و نامدار «از لاکر رابیز به کندلفورد» ساخته شده است. این مجموعه، داستان لورادختر جوانی را روایت می‌کند که برای پاری‌رساندن به خانواده‌اش، در اداره پست مشغول به‌کار می‌شود و این سرآغاز ماجراهای پیش‌بینی‌نشده برای او و اطرافیانش می‌شود. اولیویا هلینان، کلادی بلاکلی، لیندا باست، جولیا ساوال‌ها، کارل جوهنسون، داون فرنج، سندی مک دید، مارک هیپ، برندان کوپل، لیز اسمیت، رابی بنتال، مانیلدا زیگلر و متیو مک نولتی از جمله بازیگران این مجموعه هستند.



پخش سه فیلم با حال و هوای معلمان

فیلم سینمایی «آوار» به‌کارگردانی سیروس الوند امروز تماشایی می‌شود. آوار داستان پیرمردی است که سال‌های آخر عمر را سبزی می‌کند و تصمیم دارد تا میراث خود را بین فرزندانش تقسیم کند ولی پس از مرگ وی اتفاق عجیبی می‌افتد. در این سینمایی جمشید مشایخی، هادی اسلامی، فرامرز قریبیان، مجید مظفری و محبوبه بیات نقش‌آفرینی کرده‌اند. فیلم «جاده‌های سرد» به‌کارگردانی مسعود جعفری جوزانی نیز فردا رانه آنتن می‌شود. در خلاصه داستان این فیلم آمده است که در فصل زمستان جوانی به‌نام اسماعیل ناچار می‌شود برای تهیه داروی پدر بیماراش به شهر برود. معلم روستا و جوانی به‌نام رحمان نیز با او همراه می‌شوند. در بین راه، معلم که یکی از پاهایش را سال‌ها قبل در درگیری با گرگ‌ها از دست داده، از اسماعیل و رحمان جدا می‌شود…

فیلم «دبیرستان» به‌کارگردانی اکبر صادقی سه‌شنبه ۱۴ اردیبهشت پخش می‌شود. بازیگرانی مثل بیژن امکانیان، افسانه بایگان، صادق هافتی، آریتا لاجینی، حمید طالقانی، سعید میرباقری، محمد صراف، محمدرضا اسماعیلی، رضا ذوالفقاری، بهنام جمشیدی، محمد باطنی، ابراهیم نورپور، حسن مختاریپور، علی بوشهری، کامبیز گل براری، غلامرضا خرسندی، سعید طالقانی، مجتبی احمدی، حسین صالحی در آن نقش‌آفرینی کرده‌اند.



انتشار تک‌آهنگ جدید افتخاری به افتخار مادران شهدا

تازه‌ترین تک‌آهنگ تولیدشده از سوی علیرضا افتخاری، خواننده پیشکسوت موسیقی ایرانی با ادای احترام به مادران شهدا در قالب بخشی از موسیقی سریال «مادران» پیش روی مخاطبان قرار گرفت. به گزارش مهر، قطعه «شوق تماشا» به خوانندگی علیرضا افتخاری، موسیقی امیر حقیقت و شعر محمد مهدی سیار از تولیدات بنیاد شهید و امور ایثارگران به عنوان تیتراژ سریال مادران از شبکه یک سیما پخش شد. سریال مادران به کارگردانی مسعود دهنوی، روایت‌هایی مادرانه دارد که براساس تحقیق درباره چند مادر شهید از اقوام و ادیان مختلف از جمله مادر شهید اهل سنت، مادر شهید مسیحی و مادران شهدای دفاع‌مقدس اخیر طراحی و تولید شده است. این سریال به صورت اپیزودیک ساخته شده که در هراپیزود بازیگران مختلفی حضور دارندونقش‌مادر شهید را در همه اپیزودها رویا افشار بازی می‌کند. هر قسمت از این سریال به روایت‌هایی از دفاع‌مقدس و جنگ ۱۲ روزه می‌پردازد.



بازیگرانی که در تلویزیون معلم شدند

به بهانه روز معلم، حضور بازیگران تلویزیونی در قالب آموزگار را مرور کرده‌ایم

سریال‌های مدرسه‌محور رویکردی واقع‌گراتری یافتند. در این دوران، معلم از نماد بی‌عیب مطلق فاصله‌گرفت و به شخصیتی زنده، خطاپذیر وانسانی‌تر تبدیل شد. فخری خورش در مجموعه «مدرسه مادر بزرگ» نقش زنی سالخورده و فرهیخته را ایفا کرد که در عین جدیت، مهربان است و نسل جوان را به فراگیری علم و اخلاق دعوت می‌کند. این نقش از معدود نمونه‌های زن معلم در مقام رهبر فکری مدرسه بود. ریحانه جباری و دیگر بازیگران جوان‌تر در سریال‌های کودک شبکه دو مثل «هوشیار و بیدار»، بیشتر در مقام معلم و مربی فرعی ظاهر می‌شدند؛ شخصیت‌هایی که الگویی از معلمان دهه ۷۰ بودند؛ آگاه، نگران آینده شاگردان اما گرفتار مشکلات اقتصادی و آموزش فرسوده.

در اواخر این دهه، تلویزیون مجموعه «خانه ما» را پخش کرد که اگرچه خانوادگی بود اما در آن فریمایه فرجامی نقش معلمی را برعهده داشت که میان خانواده و شغلش تعارض دارد؛ تصویری تازه از زن شاغل و معلم که درگیر دغدغه‌های زندگی معاصر است.

دهه ۱۳۸۰: معلم به‌عنوان منتقد اجتماعی

دهه ۸۰ را می‌توان دوران بلوغ شخصیت معلمان در تلویزیون دانست. در این دوره، تلویزیون از الگوهای تکراری فاصله‌گرفت و معلمان را با چالش‌های واقعی‌تری نشان داد: فشار نظام آموزشی، اختلاف نسل‌ها، فقر، بی‌انگیزگی شاگردان و مسأله عدالت. در این میان، مهدی سلطانی در سریال «مدرسه ما» به‌عنوان معلمی واقع‌گرا، مصمم و گاه عصبانی ظاهر شد که دغدغه‌تربیت‌اجتماعی دارد و از بی‌تفاوتی مدیران والوالین‌رنج می‌برد. او یکی از موفق‌ترین نمونه‌های معلم در درام تلویزیونی بود. در سریال‌های نوجوان پسند مانند نیکمت آخر با بازی محمدرضا شریفی‌نیا و مهتاب کرمانی، الگوی معلم سختگیر اما عادل دوباره مطرح شد. شریفی‌نیا نقش ناظم یا دبیر تربیتی را بازی می‌کرد که نظم را محور یادگیری می‌دانست اما در طول داستان به اهمیت درک و گفت‌وگو با جوانان پی می‌برد.

از سوی دیگر، اکبر عیدی در قالب طنز و کمدی همچون مجموعه‌های «چاق و لاغر» و «زنگ انشا» معلمی شوخ‌طبع و شلوغ را تصویر کرد؛ کسی که باطن تلخ، به نارسایی‌های آموزش رسمی اشاره می‌کرد. این نقش‌ها نشان داد طنز نیز می‌تواند بازتابی اجتماعی از وضعیت آموزش باشد.



در مجموعه‌هایی مانند «بی‌همگان» ۱۴۰۱، تصویر معلم از فضای رسمی مدرسه فراتر می‌رود و در قالب پدر-معلم یا مربی اخلاقی خانواده بازنمایی می‌شود. در این آثار، آموزش به‌عنوان فرآیندی مستمر در بطن زندگی اجتماعی معرفی می‌شود و معلم کسی است که رفتار و منش او بیش از کلامش، نقش تربیتی ایفا می‌کند.

سریال‌های طنز دهه ۱۴۰۰ نیز از پرداختن به شخصیت معلم غافل نمانده‌اند. در فصل‌های جدید «نون‌خ» (۱۴۰۲) شخصیت معلم روستایی به‌عنوان فردی مردمی، صمیمی و درگیر مشکلات معیشتی تصویر می‌شود که با وجود فشار اقتصادی و کمبود امکانات، هنوز به آموزش و پرورش نسل جوان پایبند است. این تصویر، فاصله معلم با جامعه را کاهش می‌دهد و او را به بخشی از زیست روزمره مردم تبدیل می‌کند.

در آثار اجتماعی همچون «در کنار پروانه‌ها» معلم شخصیتی فداکار اما خسته از فشارهای روانی و اجتماعی است که میان مسئولیت حرفه‌ای، مشکلات خانوادگی و شرایط ناپایدار اقتصادی در نوسان است. چنین آثاری نشان می‌دهند که تلویزیون در دهه کنونی بیش از گذشته به بعد انسانی و روانی معلمان توجه کرده و آنان را نه در جایگاه نماد بلکه به‌عنوان انسان‌هایی واقعی و قابل‌هم‌ذات‌پنداری تصویر می‌کند. در حوزه کودک و نوجوان نیز برنامه‌هایی مانند بچه‌محل با حضور داریوش فرضیایی، الگوی تازه‌ای از معلم و مربی ارائه می‌دهند: آموزشی مبتنی بر گفت‌وگو، بازی، همدلی و ارتباط عاطفی. در این آثار، معلم نقش راهنما را دارد نه ناظم؛ کسی که می‌کوشد در عصر فضای مجازی و حواس‌پرتی‌های دیجیتال، ارتباط چهره‌به‌چهره و آموزش انسانی را زنده نگه‌دارد.

در مجموع، بازنمایی معلم در تلویزیون دهه کنونی نشان می‌دهد این شخصیت از قالب‌های آرمانی گذشته فاصله گرفته و به انسانی اجتماعی، درگیر چالش‌های زمانه و هم‌مسیر با مخاطب بدل شده است. معلم در این دهه نه‌تنها آموزش‌دهنده دانش بلکه واسطه‌ای میان نسل‌ها، فرهنگ‌ها و شیوه‌های نوین زندگی است؛ تصویری که بازتاب‌دهنده دغدغه‌های جامعه ایرانی در آغاز قرن چهاردهم شمسی است.

بررسی بیش از ۴۰سال تولیدات تلویزیون ایران نشان می‌دهد معلم از یک قهرمان آرمانی دهه ۶۰، به شخصیتی انسانی، انتقادی و چندبعدی در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. در دهه‌های نخستین تلویزیون می‌کوشید معلم را همچون مظهر ایمان، فداکاری و رسالت الهی معرفی کند درحالی‌که در دهه‌های بعد، معلم به شهروندی معاصر بدل می‌شود که از مشکلات نظام آموزشی، نابرابری، شکاف نسلی و دغدغه‌های اقتصادی رنج می‌برد.

تولید اثر نمایشی در میان آژیر خطر و موشک



بازیگر اپیزود «چادر مسافرتی» از مجموعه «سرو سپید سرخ» با اشاره به تجربه بازی در شرایط هم‌زمان با موشک‌باران و ناامنی، تأکید کرد: تولید آثار نمایشی در چنین فضایی می‌تواند برای ساعتی ذهن مخاطبان را از اخبار تلخ دور کرده و به مردم یادآوری کند که حتی در دل بحران نیز هنرمندان در کنار آنها هستند.

خیام وقارکاشانی درباره چالش‌های بازی در فضای بحرانی و جنگی توضیح داد: این پروژه در شرایطی ساخته شد که واقعا عادی نبود، موشک‌باران و بمباران جریان داشت وبخش‌هایی که در جاده‌های شمال کار می‌کردیم امن نبود و کل فضا یک وضعیت عجیب و تجربه‌نشده بود؛ تجربه‌ای که فکر نمی‌کنم هیچ‌کدام از اعضای گروه قبلا داشته باشند؛ ضمن این‌که بخش زیادی از داستان در فضای باز، جاده و داخل ماشین می‌گذشت و اگر مدیریت درستی صورت نمی‌گرفت، می‌توانست بسیار چالش‌برانگیز شود و خدا را شکر همه چیز به خیر گذشت و نتیجه‌کار هم به‌نظرم قابل قبول از آب درآمد.

وقارکاشانی درباره تجربه کار در ساختار اپیزودیک و فشرده این مجموعه نیز گفت: شرایط تولید این اپیزودها خیلی متفاوت بود و همه عوامل و بازیگران در شرایطی کار کردند که می‌توانستند مثل خیلی‌های دیگر در جاهای امن کنار خانواده‌شان باشند اما ترجیح دادند وظیفه‌شان را در قبال هموطنان و کشورشان انجام بدهند و این حرکت برای من کاملا محترم و جهادی بود. وی درباره مضمون اصلی چادر مسافرتی، افزود: اگر بخواهم در یک جمله بگویم، پیام اصلی اپیزود این است که اگر عشق و علاقه میان دو نفر وجود داشته باشد، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و دیدگاهی، باز هم می‌توان کنار هم ماند و از این همراهی لذت برد.

وقارکاشانی درباره نقشی که در اپیزود چادر مسافرتی ایفا کرده، گفت: شخصیتی که بازی کردم در تقابل با همسرش قرار داشت. در واقع با دو جهان متفاوت روبه‌رو هستیم؛ اختلاف نظرهای جدی، تفاوت‌های فرهنگی و نوع نگاه متفاوت به زندگی،

^[1] در مجموعه‌هایی مانند «بی‌همگان» ۱۴۰۱، تصویر معلم از فضای رسمی مدرسه فراتر می‌رود و در قالب پدر-معلم یا مربی اخلاقی خانواده بازنمایی می‌شود

^[2] در آثار اجتماعی همچون «در کنار پروانه‌ها» معلم شخصیتی فداکار اما خسته از فشارهای روانی و اجتماعی است که میان مسئولیت حرفه‌ای، مشکلات خانوادگی و شرایط ناپایدار اقتصادی در نوسان است

^[3] در دهه کنونی بیش از گذشته به بعد انسانی و روانی معلمان توجه کرده و آنان را نه در جایگاه نماد بلکه به‌عنوان انسان‌هایی واقعی و قابل‌هم‌ذات‌پنداری تصویر می‌کند